

فصل تمیز کردن زعفران فرار سیده است و اغلب خانواده‌های مناطق محروم تا انتهای سال، مشغول همین کارند

دست‌های زعفرانی



سید محمد رضا هاشمی - برای من که بچگی ام را در کوچه پس کوچه‌های پایین شهر سپری کرده‌ام، مهرماه علاوه بر اینکه بوی تخته سیاه، گردهای معلق گچ در اتاق سدر چهار کلاس و بوی پوست نارنگی روی بخاری گوشه کلاس و حتی بوی ساندویچ ماست خیکی ای را که هادی عاشوری وسط درس یواشکی می خورد، برایم به همراه می آورد، یک بوی آشنای دیگر هم در کوچه پس کوچه‌های آوینی، شفییعی و گلبویا خود داشت: یک بوی خاص که از گل‌های بنفش زعفران بود و پاک کردنش انگشتان مادرم را زرد می کرد.

در واقع پاییز برای ما بچه‌های پایین شهر علاوه بر سیب و انار، زعفران هم داشت. از همان هفته‌های اول مدرسه تا اواخر آبان، گل زعفران به یکی از اجزای خانه تبدیل می شد، حتی وقتی با دوستانم برای بازی به کوچه می رفتیم، باید حواسمان به سینی ای که زن‌های همسایه از صبح دور تا دورش نشسته بودند و در کنار پاک کردن زعفران، قیمت روغن و برنج را انداز برانداز می کردند، هم می بود.

این هفته وقتی داشتیم در کوچه پس کوچه‌های خیابان آوینی دنبال آدرس سوژه‌های گزارشی می گشتم، چشمم خورد به پارچه نوشته‌هایی که بر سر در بعضی خانه‌ها خودنمایی می کرد: «گل زعفران موجود است»، «با پاک کردن ۱۰ کیلو گل زعفران جایزه بگیرد»، «گل زعفران رسید»، «این‌ها جمله‌های آشنایی بود که من حالا چند سالی است از آن‌ها فاصله گرفته‌ام. این فراخوان‌های تفاوت مهم با زمان بچگی من داشت و آن نوع نگارش، چاپ و نصب آن‌ها بر سر در خانه‌ها بود.

آن روزهای همسایه داشتیم که اهل تربت حیدریه بود. حسن آقا، پدر خانواده، همیشه وقت رسیدن گل‌های زعفران که می شد، بالای در خانه‌اش یک پارچه سفید نصب می کرد که با خط «خرچنگ قور باغی» بالایش نوشته شده بود: «گل زعفران رسید»، بعد حسن آقا با موتور سوزوکی ۸۰ خود برای همه همسایه‌ها گل زعفران می برد برای پاک کردن. بعد خانم‌های همسایه دانه دانه از داخل گلبیگ‌های بنفش زعفران ساقه‌های ظریف،

خوش رنگ و گران قیمت زعفران را جدا می کردند و بعد از دسته کردن به حسن آقا تحویل می دادند. پروسه پاک کردن زعفران بالا پایینی‌های منحصربه‌فرد هم داشت. هرکس که خوش اقبال بود و ساقه‌های یکی از گل‌هایش بیشتر از سه تا بود، مثلاً چهار تایی یا شش تایی بود، از صاحب گل‌هایک جایزه می گرفت؛ چون این اتفاق خیلی کم پیش می آمد و تکرارش به معنای درآمد بیشتر برای صاحب زعفران در آن سال بود.

پارچه نوشته‌هایی که این روزها در خیابان‌های مختلف پایین شهر برای توزیع گل زعفران نصب می شود، حالا دیگر مدرن شده و این فراخوان‌ها بر روی بنرهایی با پس زمینه‌های متفاوت، نوشته و چاپ می شود تا مردم از رسیدن گل زعفران آگاه شوند.

همان طور که داشتیم عرض خیابان گلبورا برای رسیدن به آدرس طی می کردم و نوشتن یادداشتی باموضوع زعفران برای شماره این هفته فکر ام مشغول کرده بود، کپه‌ای از گل‌های زعفران پاک شده که حالا دیگر ارزشی ندارند، در نزدیکی یک سطل بزرگ زباله توجه‌م را به خود جلب کرد و دوباره غرق در خاطراتی شدم که حالا من را برده بود به حیاط خانه‌مان. در همان روزهای کودکی یک بار که مادرم زعفران پاک کرده بود و گل‌های تکه تکه شده را در کنار حیاط در یک پلاستیک سیاه گذاشته بود، باران آمد و موزاییک‌های حیاط شده بود به رنگ بنفش گل‌های زعفران.

ناگفته نماند که پاک کردن گل زعفران برای خیلی از خانواده‌های محله ما یک منبع درآمد بود. خیلی‌ها با همین پول برای دخترانشان چیزیه می خریدند و خیلی کارهای دیگر.

زعفران علاوه بر اینکه برای کشاورزان زحمت کشش برکت دارد، برای خیلی‌های دیگر که اغلبشان خانواده‌های کم درآمد هستند، نیز منبع برکت است. این روزها وقتی شما در خیابان‌های مختلف پایین شهر پیاده روی کنید، بوی زعفران هوایی روزهای کودکی تان می کند و گل زعفران همچنان دارد وظیفه خود را در خاطره سازی به درستی انجام می دهد.

حضور تیم والیبال زنان مهاجر در لیگ برتر مری ایرانی تیم والیبال مهاجرین خبر داد



سرپرست تیم والیبال بانوان مهاجر افزود: رئیس هیئت والیبال خراسان به ما قول همکاری داده اند که در کنار تیم‌های ایرانی بتوانیم در سطح مشهد و استان خراسان رضوی در مسابقات حضور پیدا کنیم و این حضور نیاز به امکانات دارد که متأسفانه ما هیچ حمایت کننده‌ای نداریم.

وی ادامه داد: ما از نظر مالی بسیار مشکل داریم و به هر جا هم که مراجعه کرده ایم، تاکنون حمایت نشده ایم. بخشی از هزینه‌ها را خود اعضای تیم تأمین می کنند؛ البته مسئولان سالن بهشت هم در مورد هزینه‌ها با ما همکاری کرده و تخفیف‌هایی را برای مادران گرفته اند.

در ادامه «نفیسه غلامی»، مربی ایرانی انجمن والیبال بانوان مهاجر، در گفتگو با فارس، گفت: من از اوایل تابستان در خدمت این تیم هستم و دختران افغانستانی انگیزه و استعداد فوق العاده‌ای دارند که اگر این استعدادها تقویت شود، می تواند برای آینده تیم ملی والیبال افغانستان پشتیبان خوبی باشد.

وی افزود: در صحبتی که با هیئت والیبال خراسان کردیم، پیشنهاد دادیم که بعد از این دختران مهاجر افغانستانی بتوانند در کنار تیم‌های ایرانی در مسابقات داخلی استان و داخلی مشهد به عنوان تیم مهاجرین شرکت کنند و هیئت والیبال خراسان و آقای سلیمان نژاد هم از این پیشنهاد بسیار استقبال و موافقت خود را اعلام کردند.

این مربی والیبال خاطرنشان کرد: طبق توافق صورت گرفته، در مرحله‌های بعد که توانایی تیم افزایش یافت، حتی می توانیم در مسابقات لیگ والیبال ایران هم شرکت کنیم و از نظر قانونی هیچ مشکلی وجود ندارد.

حمید طیبی، مسئول مجموعه ورزشی بهشت، هم در این باره گفت: وقتی اعضای انجمن والیبال مهاجرین به ما مراجعه کردند، با توجه به شناخت خوبی که از این انجمن داشتیم، یک وقت ویژه در اختیار آن‌ها قرار دادیم و تا آنجا که مقدور بود، در هزینه‌های سالن برای آن‌ها تخفیف در نظر گرفتیم. وی افزود: مربی، توپ و دیگر امکانات نیز در این مجموعه هست که اعضای تیم می توانند از این امکانات استفاده کنند.

طیبی تصریح کرد: طبق قول‌هایی که هیئت والیبال استان داده است، امیدواریم این دختران مهاجر بتوانند در کنار تیم‌های ایرانی در مسابقات مختلف شرکت کنند و ما هم بتوانیم امکانات بیشتری در اختیار آن‌ها قرار دهیم.

«شقایق سرورزاده»، دانشجوی کامپیوتر و از اعضای انجمن والیبال مهاجرین، از تشکیل تیم‌های والیبال در میان بانوان مهاجر اظهار خوشحالی کرد و گفت: من علاقه زیادی به والیبال دارم که حضور در این انجمن می تواند انگیزه بیشتری به من بدهد.

انجمن والیبال بانوان مهاجر تابستان سال جاری در مشهد تشکیل شد و اولین دوره مسابقات والیبال دختران مهاجر افغانستانی را در سالن بهشت مشهد برگزار کرد که در نتیجه آن تیم‌های میوند، هیرمند و هیلدا به ترتیب اول تا سوم شدند.

زهرا احمدی، مسئول «انجمن والیبال بانوان مهاجر»، با توضیح جزئیات بیشتری از فعالیت‌های این انجمن گفت: من بیش از ۱۰ سال است که والیبال بازی می کنم و بانو به اینک که دختران زیادی از مهاجران افغانستانی بودند که به این رشته علاقه داشتند، تصمیم گرفتم این انجمن را راه بیندازم.

وی افزود: بانو به اهمیت ورزش در سلامت جامعه مخصوصاً جامعه مهاجر و نبود فعالیت‌های منسجم و برنامه ریزی شده برای قشر عظیمی از جامعه یعنی بانوان، «انجمن والیبال بانوان مهاجر» تشکیل شد و حدود شش ماه است که فعالیت خود را در مشهد شروع کرده است.

این مربی افغانستانی خاطرنشان کرد: در جوامع سنتی مخصوصاً جامعه‌ای مانند افغانستان، زنان همواره با بی مهری روبه‌رو شده اند و توجه کمی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ورزشی به این قشر شده است.

احمدی تأکید کرد: انجمن والیبال بانوان مهاجر با هدف ارتقای سطح سلامت عمومی بانوان و همچنین آغاز راهی در مسیر گسترش ورزش حرفه‌ای و برگزاری مسابقات متعدد برای افزایش سطح انگیزشی و سلامت بانوان مهاجر تلاش می کند.

وی در ادامه گفت: مشکلات زیادی در فضای مهاجرت وجود دارد که سبب می شود استعدادهای نهفته ناشناخته باقی بمانند و رشد نکنند ولی ما تلاش می کنیم با فرهنگ سازی در جامعه مهاجرین و همچنین رایزنی و جلب حمایت سازمان‌ها و نهادهای در جهت بالندگی هر چه بیشتر زنان مهاجر گام‌هایی را برداریم.

این بانوی ورزشکار افغانستانی تصریح کرد: هدف ما سامان دهی بانوان ورزشکار مهاجر در رشته والیبال است تا با ایجاد هماهنگی و سازمان دهی فعالیت بانوان، زمینه حضور آن‌ها در برگزاری مسابقات در سطح استان و لیگ ایران فراهم شود.

وی افزود: اگر از بانوان مهاجر حمایت شود، آن‌ها می توانند استعدادهای درخشانی برای آینده تیم ملی افغانستان باشند.

احمدی خاطرنشان کرد: ما به دنبال جذب همکاری و مشارکت ارگان‌ها و سازمان‌های خصوصی و دولتی در جهت تقویت ورزش بانوان مهاجر هستیم و در حال حاضر حدود ۶۰ عضو داریم که در تمرینات ما در سالن بهشت شرکت می کنند.